

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۰

(صص ۱۲۸-۱۰۵)

### دکتر محمود عباسی\*

استادیار زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

### معصومه ملا الهی\*\*

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام نور زاهدان

## موسیقی بیرونی اشعار نظیری نیشابوری

### چکیده

موسیقی شعر یکی از بهترین مختصات است که به طور ذاتی ارزش و اهمیت آن را مشخص می‌کند و در واقع موسیقی شعر است که ضمن این که شنیدن آن را برای گوش‌ها جذاب می‌سازد، راهی برای دلنشین کردن شعر است تا از این طریق مفهوم و هدفی که در بطن سخن منظوم نهفته است، سریعتر به مقصد و مقصود مورد نظر واصل گردد. منظور از موسیقی بیرونی شعر که باعث آهنگ و موسیقی کلام و زیبایی آن گردیده، وزن عروضی است که بر اساس کشش هجاها و تکیه هاست.

دیوان نظیری نیشابوری از نظر موسیقی بیرونی و تنوع و گوناگونی اوزان عروضی به کار رفته در آن قابل توجه و ملاحظه است.

در دیوان نظیری نیشابوری ۵۶۴ غزل، ۴۲ قصیده، ۳ قطعه، ۱۰ ترکیب بند و ترجیع بند و ۱۴۱ رباعی وجود دارد که مجموع ۷۶۰ قطعه شعر است. شاعر در تمام دیوان از ۹ بحر و ۳۷ وزن استفاده کرده است: ۲۷۵ مورد در بحر هزج شامل ۱۲۸ غزل، ۳ قصیده، ۲ ترکیب

---

\*Email:abbasi@lihu.usb.ac.ir

\*\*Emai:mollaelahi50@pnuz.ac.ir

بند، ۱ قطعه و ۱۴۱ رباعی؛ ۱۸۶ مورد در بحر رمل شامل ۱۷۴ غزل، ۹ قصیده، ۳ ترکیب بند؛ ۱۳۴ مورد در بحر مجتث شامل ۱۱۵ غزل، ۱۸ قصیده، یک قطعه؛ ۱۱۱ مورد در بحر مضارع شامل ۱۰۰ غزل، ۷ قصیده، ۴ ترکیب بند؛ ۲۹ مورد در بحر خفیف شامل ۲۵ غزل، ۳ قصیده، ۱ ترکیب بند؛ ۱۶ مورد در بحر رجز شامل ۱۵ غزل، ۱ قصیده؛ ۶ مورد در بحر منسرح شامل ۵ قصیده، ۱ غزل؛ ۳ مورد در بحر سریع شامل ۲ غزل، ۱ قطعه؛ ۳ مورد در بحر مقارب شامل ۲ غزل، ۱ قطعه.

**کلید واژه ها:** موسیقی، عروض، وزن، بحر، نظیری نیشابوری.

#### مقدمه

نظیری نیشابوری «اسمش، محمد حسین اصلش از جوین، به سبب توطّن در نیشابور از اهل نیشابور مشهور است.» (هدایت، ۱۳۸۵: ۴۹۲) در باب سفرهای او در ایران و تجارت او و سفر او به هندوستان و تقرّب یافتن در دربار پادشاه و سکونت او در هند و رونق گرفتن کار و زندگی در تذکره ها گاهی به اجمال و گاهی به تفصیل سخن رفته است: «در اوان جوانی از خراسان به عراق آمده با شعرای زمان مشاعرت نمود، از آنجا به هند افتاده... در اواخر حال در گجرات رحل اقامت افکنده، منزلی پادشاهانه ساخت و به فراغت و رفاهیت می گذرانید، همیشه جمعی از اعزّه ی اکابر و اصاغر در مجمع او حاضر بودند و هنگامه ی شعر و صحبت در منزل او به غایت گرم بود.» (اوحدی دقاقی بلیانی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۹-۳۹۶۸)

اقامت او در گجرات ثابت و همیشگی نبود؛ بلکه گاه گاهی به مرکز حکومت و در بر پادشاه می آمده، بعد از دریافت صلّه دوباره به احمد آباد گجرات باز می گشت: «...مکرّر از گجرات به دارالخلافتی آگره آمده و به سعادت آستان بوسی خدیو جهانگیر کشورگشا، پادشاه فلک قدرخورشیدلقا... مستسعد گردیده به گجرات عود می نموده است.» (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۶۷: ۷۹۰)، تذکره ی هفت اقلیم، شرح حال نظیری را بسیار کوتاه آورده است: «بین الاقران از بی نظیران زمان است، چون قمر قابلیتش از محاق جاهلیت بیرون آمد، اراده ی هندوستان نموده.» (رازی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۸۰۱)

نظیری شیعی دوازده امامی بود و در این مذهب، اعتقاد راسخ داشت. وی همچنین به عرفان و فلسفه‌ی اشراق گرایش داشت؛ بطوری که این موضوع در غزل‌هایش آشکار است. «به سبب توسل و اعتقاد به خدمت درویشان و عارفان زمان، سخنانش اکثر به مذاق این طایفه واقع شده، در پختگی و شکستگی و عذوبت و نزاکت و لطافت و روانی و بلاغت و فصاحت اشعارش هیچکس را مجال سخن نیست، دیوانش در همه جا مشهور و معروف است، غزلیاتش به سایر اشعارش امتیاز دارد.» (واله داغستانی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۸۱-۲۲۸۰)

اشعار دیوان نظیری را ده هزار و دوازده هزار بیت ذکر کرده‌اند: «...دیوانی دارد که تمامی ابیات آن از قصاید و غزلیات و ترجیع بند و رباعیات در حدود ده هزار بیت بوده و تنها غزلیات او که در حدود پنج هزار بیت است در لاهور هند چاپ شده...» (مدرّس تبریزی، ۱۳۷۴: ۲۱۶)

مقام شعر و شاعری نظیری تحسین شده، به ویژه غزل‌های عرفانی و دلنشین او را بسیاری از بزرگان شاعر و تذکره نویس پسندیده‌اند «... به جلالت شأن او همین قدر کافی است که میرزا صائب گفته:

صائب چه خیال است شوی همچو نظیری      عرفی به نظیری نرسانید سخن را»  
(سحر کاکو روی، ۱۳۸۵: ۲۵۶)

نوآوری‌ها و بدایع کار نظیری و تصویر زنده‌ای که در بیشتر غزل‌های او به چشم می‌خورد از هر نظر قابل توجه و تعمق است؛ مانند این بیت که ضرب المثلی سایر شده است:

درس ادیب اگر بود زمزمه‌ی محبتی      جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را  
(نظیری، ۱۳۷۹: ۳۴)

همه‌ی شاعرانی که نظیری را دیده یا از طریق اشعارش با وی آشنا شده‌اند او را به استادی پذیرفته و دقت خیال، وسعت اندیشه، و قدرت مضمون‌یابی وی را ستوده‌اند. با نگاهی گذرا به دیوان وی می‌توان دریافت که تا چه پایه شیفته‌ی غزل‌های لسان الغیب حافظ شیراز بوده است.

نظیری، حافظ را در شعر مقتدای خود دانسته و می‌گوید:

تا اقتدا به حافظ شیراز کرده‌ایم گردیده مقتدای دو عالم کلام ما

(همان : ۲۱)

در جای دیگر ارادت خود به حافظ را اینگونه بیان می‌دارد :

حسب حال خوش، کس از مجموعه ی یاری نخواند

حافظ شیراز را دیوان فرخ فال کو

(همان : ۲۸۲)

اما این ارادت مانع از آن نیست که نگاهی هم به دیگر سخنوران گرانقدر ادب پارسی داشته باشد. وجود غزل‌هایی در استقبال از غزل‌های سعدی و بابا فغانی در دیوان او و ترجیع بند بلندی که در استقبال از ترجیع بند مشهور خداوندگار سخن سعدی سروده است، این معنی را تأیید می‌کند و در قصیده غالباً قصاید بلند انوری را استقبال کرده است.

تاریخ وفات نظیری را بین سالهای ۱۰۲۱، ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳ هجری قمری ذکر

کرده‌اند. (صفا، ۱۳۷۱، ج ۵: ۹۰۳)

### موسیقی شعر

میان دو هنر شعر و موسیقی، پیوندی ناگسستنی است. این پیوند سبب همگامی و همراهی این دو است. شعر خود کلامی آهنگین و موسیقایی است که همراهی آن با موسیقی بر تأثیرگذاری آن می‌افزاید: «مجموعه‌ی عواملی که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن، امتیاز می‌بخشند و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی سبب رستاخیز کلمه‌ها و تشخیص واژه‌ها در زبان می‌شوند، می‌توان گروه موسیقایی نامید و این گروه موسیقایی خود عوامل شناخته شده و قابل تحلیل و تعلیلی دارد از قبیل انواع وزن، قافیه، ردیف، جناس،... و همچنین عوامل شناخته نشده‌ای نیز دارد که فقط قابل حس شدن است و نمی‌توان برای آن‌ها قانونی کشف کرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۸ و ۷)

«هر مجموعه‌ی گفتار از مقداری عناصر آوایی و صوتی به وجود آمده است و این مجموعه‌های آوایی و صوتی، ممکن است با یکدیگر، یا بعضی از آن‌ها با بعضی دیگر

توازن‌ها یا تناسب‌هایی داشته باشند. به تناسب امکاناتی که در جهت این توازن‌ها، در یک مجموعه‌ی آوایی وجود داشته باشد و قابل تصور باشد، انواع موسیقی قابل تصور است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۸)

«هنوز ساربان و چوپانان در دل دشت‌ها زمزمه‌های بی‌آلایش خود را با نوای ساده و دلنشین می‌آمیزند و بی آن که به اصطلاح امروز شعر بخوانند ناخودآگاه پیوند موسیقی و الحان و الفاظ را ثابت می‌کنند.» (صبور، ۱۳۸۴: ۳۰)

«عوامل موسیقی‌ساز شعر عبارتند از: ۱- ارزش موسیقایی حروف ۲- اهمیت تکیه ۳- کلمات زنگ‌دار ۴- تکرار کلمه ۵- تکرار جمله ۶- قافیه ۷- ردیف ۸- کلمات زاید ۹- ادات ایقاعی ۱۰- تأثیر محتوا در چگونگی وزن ۱۱- مناسبت، موازنه، تسمیط.» (ملّاح، ۱۳۶۷: ۲۴۰)

ابوعلی سینا گوید: «موسیقی علمی است ریاضی که در آن از چگونگی نغمه‌ها، از نظر ملایمت و تنافر، چگونگی زمانهای بین نغمه‌ها بحث می‌شود تا معلوم شود که لحن را چگونه باید تعریف کرد.» (مشحون، ۱۳۷۳: ۵)

موسیقی پدیده‌ای ذاتی و فطری در وجود آدمی است و هیچ ملتی از آن بی‌بهره نیست. آن چه انسان را به سوی موسیقی هدایت می‌نماید، دقیقاً همان جذبه و کششی است که او را به سوی سرودن شعر رهنمون می‌شود که این حاکی از همان پیوند مستحکم میان این دو است. شعر در واقع همان موسیقی الفاظ و کلمه‌هاست و غنا نیز موسیقی الحان و آهنگ‌هاست همان چیزی که ارسطو نیز شعر را نشأت گرفته از دو قوه‌ی محاکات و درک وزن و آهنگ می‌داند. آمیزش و اختلاط طبیعی شعر و آهنگ در دوره‌های اولیه، زاییده‌ی هیچ ملتی نیست.

از آن چه گفته شد درمی‌یابیم که وزن اصلی‌ترین عامل موسیقی شعر است و نخستین عامل تناسب که سبب موسیقی کلام می‌شود، وزن است. به طوری که از دیدگاه شمس قیس، عروض برای تشخیص کلام موزون از ناموزون است. به عبارت دیگر شعر از دیدگاه وی کلام موزون و مقفی است. پس وزن ذاتی کلام است و شعر یعنی سخن موزون. وزن

تناسب و ترتیب در صامت ها و مصوت ها است که این تناسب و ترتیب در سخن موسیقی ایجاد می‌کند.

### موسیقی بیرونی

منظور از موسیقی بیرونی شعر که باعث آهنگ و موسیقی کلام و زیبایی آن گردیده، وزن عروضی است که براساس کشش هجاها و تکیه هاست. موسیقی بیرونی یکی از مهمترین جنبه‌های موسیقی در شعر است؛ زیرا این نوع موسیقی است که شاکله‌ی اصلی کار و جذابیت هنری شاعر را در منظر مخاطب قرار می‌دهد. دکتر شفیع کدکنی در توضیح وزن شعر از دیدگاه موسیقائی، این عنصر پایه‌ای را به دو وزن خیزابی و جویباری تقسیم بندی کرده است:

«وزن‌های خیزابی که از راه تکرار ارکان عروضی پدید می‌آید یادآور رود یا دریای مواجی است که موج هایش به تناوب و مشابه از راه می‌رسند و رقص موزون و عمدتاً ریتمیکی را در ذهن متبادر می‌کنند؛ مانند: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن در وزن‌های جویباری شعر در گذری آرام و پیوسته و با اُفت و خیزی نامحسوس‌تر جاری است و در بستر آن از خیزاب‌های همسان و هم آوا - که گاه کوبنده نیز جلوه می‌کنند - کمتر اثری دیده می‌شود؛ مانند سروده‌هایی که بر وزن مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن ساخته می‌شوند. در این وزن هیچ یک از ارکان عروضی تکرار نشده است و موسیقی حاصل از افاعیل مختلف هموارتر و آرام تر به جان می‌نشیند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۸۹)

بخش اعظم دیوان نظری نیشابوری را اوزان جویباری تشکیل می‌دهد. محققان زبان و ادبیات فارسی به جنبه‌های نظری و تئوری ادبیات بسیار پرداخته‌اند؛ ولی همواره جای تحقیقات عملی در تحقیقات ادبی خالی است؛ برای مثال در زمینه‌ی وزن، قافیه، ردیف، صنایع بدیعی و مباحث کلی موسیقی شعر کتاب‌های فراوانی نوشته شده است؛ ولی بسیار کم‌اند تحقیقاتی که به صورت علمی و متناسب با رویکردهای جدید نقد ادبی در زمینه‌ی موسیقی شعر انجام گرفته باشد؛ بنابراین سعی نویسندگان این مقاله برآن

بوده است که در این تحقیق موسیقی اشعار نظیری نیشابوری را به صورت علمی، مورد بررسی قرار دهند.

### موسیقی بیرونی در دیوان نظیری نیشابوری

در دیوان نظیری نیشابوری ۵۶۴ غزل، ۴۲ قصیده، ۳ قطعه، ۱۰ ترکیب بند و ترجیع بند و ۱۴۱ رباعی وجود دارد که مجموع آن ها ۷۶۰ قطعه شعر است. شاعر در تمام دیوان از ۹ بحر و ۳۷ وزن استفاده کرده است: ۲۷۵ مورد در بحر هزج شامل ۱۲۸ غزل، ۳ قصیده، ۲ ترکیب بند، ۱ قطعه و ۱۴۱ رباعی؛ ۱۸۶ مورد در بحر رمل شامل ۱۷۴ غزل، ۹ قصیده، ۳ ترکیب بند؛ ۱۳۴ مورد در بحر مجتث شامل ۱۱۵ غزل، ۱۸ قصیده، یک قطعه؛ ۱۱۱ مورد در بحر مضارع شامل ۱۰۰ غزل، ۷ قصیده، ۴ ترکیب بند؛ ۲۹ مورد در بحر خفیف شامل ۲۵ غزل، ۳ قصیده، ۱ ترکیب بند؛ ۱۶ مورد در بحر رجز شامل ۱۵ غزل، ۱ قصیده؛ ۶ مورد در بحر منسرح شامل ۵ قصیده، ۱ غزل؛ ۳ مورد در بحر سریع شامل ۲ غزل، ۱ قطعه؛ ۳ مورد در بحر متقارب شامل ۲ غزل، ۱ قطعه.

### بررسی بحرهای به کار رفته در دیوان نظیری نیشابوری

#### ۱- بحر هزج

«هزج در لغت آوازی را گویند که همراه با ترنم باشد و به دلیل زیبایی خاص بحر هزج، به این نام نامیده شده است، بحر هزج به گونه‌ای است که وقتی به چگونگی هجاهای ارکان آن دقت کنیم، درمی‌یابیم که به شکلی کنار هم قرار گرفته‌اند که هنگام خواندن شعر احساس طرب و شادی و نشاط به خواننده آن دست می‌دهد: «این بحر را بدان جهت به این نام خوانده‌اند که بیشتر آوازاها و سرودهای اعراب بر این بحر است.» (شاه‌حسینی، ۱۳۸۰: ۶۶). «این وزن از اوزان دلنشین و آرام است که مناسب با مضامین آرام و عاشقانه می‌باشد.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۰: ۸۴)

بحر هزج از تکرار مفاعیلن حاصل می‌شود.

این بحر با ۲۷۵ مورد در ۸ وزن و ۳۶/۰۴ درصد، پر کاربردترین بحر در دیوان نظیری نیشابوری است که ۱۴۱ مورد در رباعیات، ۱۲۸ مورد در غزلیات، ۲ مورد در ترکیب بند و ترجیع بند، ۳ مورد در قصاید و ۱ مورد در قطعات آمده است.

۱-۱ هزج مثنیٰ اخرب مقبوض ابتر : مفعولٌ مفاعیلٌ مفاعیلن فع

شامل ۱۴۱ رباعی است و در سایر اشعار به کار نرفته است. نمونه مثال:

در هجر تو مرگ همنشینم بادا      منظور دو دیده آستینم بادا (نظیری، ۱۳۷۹: ۵۳۳)  
اسرار گلستان به بصارت دریاب      مرغان بخروشد عبارت دریاب (همان: ۵۳۴)

۲-۱ هزج مثنیٰ سالم : مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

شامل ۵۲ غزل؛ نمونه مثال:

ز شهر دوست می‌آیم، پیام عشق بر لب‌ها      به تلفیقی کنم آزاد، طفلان را ز مکتب‌ها. (همان: ۷)

۳-۱ هزج مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف: مفعولٌ مفاعیلٌ مفاعیلٌ فعولن

شامل ۳۰ غزل، ۳ قصیده و ۱ قطعه. نمونه مثال:

گر خُسن جمال تو طلبکار نبودی      در خانقه و بتکده دیار نبودی (همان: ۳۰۸)  
چندی به غلط بتکده کردیم حرم را      وقتست که از کعبه برآریم صنم‌را (همان: ۳۲۷)

۴-۱ هزج مثنیٰ اخرب مکفوف مقصور: مفعولٌ مفاعیلٌ مفاعیلٌ مفاعیلٌ

شامل ۱۵ غزل، ۱ ترکیب بند. نمونه مثال:

روزِ ازلَم بود به نابود نهفتند      در ضمن زیان کاری من سود نهفتند (همان: ۹۴)  
دوشینه سرودی دل افگار برآورد      کاهو ز حرم مرغ ز گلزار برآورد (همان: ۹۶)

۵-۱ هزج مسدس محذوف: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن

شامل ۱۶ غزل. نمونه مثال:

دلی دارم که طاقت کار او نیست      تحمل غیر عیب و عار او نیست (همان: ۵۲)  
نگاهت چشم جادو برنتابد      فریب خال هندو برنتابد (همان: ۱۳۸)



۶-۱ هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف: مفعولُ مفاعِلن فعولن

شامل ۱۱ غزل و ۱ ترجیع بند . نمونه مثال:

ای کرده خراب خانه ها را      بر هم زده آشیانه ها را (همان: ۷)  
دیرست ز گوشه نقابی      داریم امید فتح بابی (همان: ۳۰۰)

۷-۱ هزج مسدس مقصور: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلُ

در این وزن فقط ۲ غزل سروده شده است:

سخن گوئید با من کمتر امروز      که دارم دل به جای دیگر امروز (همان: ۱۶۶)  
دلا رو زان خم ابرو بگردان      بدل کردیم قبله رو بگردان (همان: ۲۷۷)

۸-۱ هزج مثنی اخرب : مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

در این وزن ۲ غزل سروده شده است

گر کشف حجب خواهی، بستان می ناب اول

ور علم ازل جویی، بگذر ز کتاب اول (همان: ۲۲۶)

مردانه قماری کن ، دستی به دو عالم زن

خصلی که نهی پُر نه ، نقشی که زنی کم زن (همان: ۲۷۲)

## ۲- بحر رمل

اجزای آن چهار بار فاعلاتن فاعلاتن است ، «بحر رمل زمینه‌ای است برای بیان رقت قلب و حکایت گر اندوه‌ها و شادمانی‌ها و ترجمان دل پیران و جوانان است.» (خواجه نصیر، ۱۳۶۹ : ۱۳)

رمل با ترکیب هجایی خاص خود و آهنگ ملایم و ریتم آرام بخشی که دارد ، بیشتر بیانگر احساسات ، عواطف ، افکار و عالم درون شاعر است.

بحر رمل دومین بحر پرکاربرد در این دیوان است که با تعداد ۱۸۶ مورد و ۲۴/۳۸ درصد اوزان، ۱۷۴ غزل و ۹ قصیده و ۳ ترکیب بند و ترجیع بند را در بر می‌گیرد.

۱-۲ رمل مثنی محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن:

شامل ۵۸ غزل و ۲ قصیده. نمونه مثال:

دیدمش در دل نهفتم آه بسی تأثیر را در کمان ازبس که دزدیدم شکستم تیر را (همان: ۱۶)  
خون دشت کربلامی جوشد از مژگان من داغ زهرا تازہ شد در کلبه ی احزان من (همان: ۴۱۱)

۲-۲ رمل مثنی مقصور: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان

شامل ۳۱ غزل، ۳ قصیده و ۱ ترکیب بند و ۱ ترجیع بند. نمونه مثال:

گر شرر گر شعله هر جا گشت پیدا آتش است چاره ی دل کن که با آتش مدارا آتش است

(همان: ۴۳)

از سخن چون چاشنی بخشی به خوان تربیت پر شود از مغز معنی استخوان تربیت (همان: ۳۵۳)

۳-۲ رمل مثنی مخبون محذوف: فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

شامل ۲۴ غزل.

درک هر راز کجا زان عجمی زاده ک گر نه آئینه چو آئینه او ساده کنی (همان: ۳۲۲)

۴-۲ رمل مثنی مخبون اصلم: فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

شامل ۱۴ غزل، ۲ قصیده و ۱ ترجیع بند.

مرد بی حوصله مردانه نگردد هرگز خوف گردد دل دیوانه نگردد هرگز (همان: ۱۷۱)

صبح عیدست که بر میکده بگشاید در سجده شکر کند نزد صبحش ساغر (همان: ۳۷۹)

۵-۲ رمل مثنی مخبون مقصور: فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلان

شامل ۱۲ غزل و ۱ قصیده. نمونه مثال:

به تمنای غلط بر همه کس میر شدیم بدر از خانه نرفتیم و جهانگیر شدیم. (همان: ۲۴۵)

مژده در مژده فتحست و ظفر در ظفرست هر طرف مژده رساننده ی فتحی دگرست (همان: ۳۴۵)

۶-۲ رمل مسدس مقصور: فاعلاتن فاعلاتن فاعلان

شامل ۱۱ غزل، نمونه مثال:

فخر والا نسبتان از بند اوست آنچه هرگز نگسلد پیوند اوست (همان: ۴۹)

رخ نما تا رونما جان آوریم عرضه کن ایمان که ایمان آوریم (همان: ۲۵۷)

۷-۲ رمل مثنی مخبون اصلم مسیخ: فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فع لان

شامل ۱۰ غزل. نمونه مثال:

در بغل مصحف و سجاده‌ی تقوا بردوش برد از مدرسه‌ام مغیبه‌ی باده‌فروش (همان: ۱۸۴)

۸-۲ رمل مثنی مشکول: فَعَلَاتُ فَاعِلَاتُنْ فَعَلَاتُ فَاعِلَاتُنْ

شامل ۷ غزل و ۱ قصیده.

این وزن یکی از زیباترین اوزان شعر فارسی است که تعداد هجاهای بلند و کوتاه آن همه یکسان است. (ماهیار، ۱۳۷۴: ۵۹)

تو اگر ز کعبه راندی و گراز بهشت ما را غم‌بنده پرورتو، به‌دری نهشت مارا (همان: ۲۴۵)

۹-۲ رمل مسدس محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلان

شامل ۴ غزل.

بی تونه با غم خوش و نی خانه خوش با نگار خانگی ویرانه خوش (همان: ۱۹۸)

از گلستان، گل به بازار آمده عید مرغان گرفتار آمده (همان: ۲۸۹)

۱۰-۲ رمل مثنی اصلم: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن

شامل ۲ غزل.

«اصلم عبارت است از حذف دو هجای بلند آخر فاعلاتن (- U -) و تبدیل هجاهای کوتاه به بلند. دو هجای بلند حاصل را اصلم می خوانند و با «فَع لُن» نشان می دهند. (ماهیار، ۵۶: ۱۳۷۰)

هر سر شاخ درین باغ هوایی دارد هر گلی رنگی و هر مرغ نوایی دارد (همان: ۱۴۸)  
گردش چشم بتان مستی من حالی کرد دوروارون نتواند قدحم خالی کرد (همان: ۱۴۹)

۱-۲ ارمِل مسدس مخبون اصلم مسبغ: فاعلاتن فعلاتن فع لان

در این وزن فقط یک غزل سروده شده است .

خوی شه عربده جو افتادست کشته یی بر سر کو افتادست (همان: ۷۳)

### ۳ بحر مجتث

اجزای آن از اصل مستفع لن فاعلاتن. چهار بار مفاعِلن فعلاتن آید و زحاف این بحر نُه است: خبن و شکل و قصر و حذف و رفع و جحف و اسباغ و تشعیث و صلِم) (المعجم ، ۱۳۷۳ : ۱۴۹)، «بحر مجتث از تکرار مستفعِلن فاعلاتن مستفعِلن فاعلاتن به دست می آید.» (ماهیار، ۶۷: ۱۳۷۴)

این بحر که از بحور مختلف الارکان است در دیوان نظیری نیشابوری ۱۳۶ مورد و ۱۷/۵۶ درصد اوزان را شامل می شود: ۱۱۷ غزل، ۱۸ مورد و ۱ مورد قطعه.

۳-۱ مجتث مثنی مخبون اصلم: مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فع لن

شامل ۳۱ غزل ، ۸ قصیده و ۱ قطعه، نمونه مثال:

زبان پیام هوس داشت شستم انشا را درون سینه بریدم سرمغ تمنا را (همان: ۵)

۳-۲ مجتث مثنی مخبون اصلم مسبغ : مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فع لان

شامل ۳۰ غزل و ۵ قصیده.

چنان ز خانه برون رفتنم به دل تنگ است که آستانه بیابان و گام فرسنگ است (همان: ۶۲)  
چو شمع سوز دلم عشق بر زبان انداخت دگرخواستی آتش مرا به جان انداخت (همان: ۳۵۵)

۳-۳ مجتث مَثْمَنِ مَخْبُونِ مَقْصُورِ : مفاعِلنِ فَعَلاتِنِ مفاعِلنِ فَعَلانِ  
شامل ۲۸ غزل و ۳ قصیده .

به غمزه روز الستم همین معامله بود ابد رسید و نیاسودم این چه مشغله بود (همان: ۱۴۳)  
چو رو به برج شرف کرد آفتاب مُتیر دمید فاتحه‌ی فتح بر حصار اسیر (همان: ۳۸۱)

۴-۳ مجتث مَثْمَنِ مَخْبُونِ مَحْذُوفِ : مفاعِلنِ فَعَلاتِنِ مفاعِلنِ فَعَلنِ  
شامل ۲۵ غزل و ۱ قصیده.

سحر که سنبلم از جیب پیرهن بکشی گمان برم که رگِ جانم از بدن بکشی (همان: ۳۲۰)  
۵-۳ مجتث مَثْمَنِ مَخْبُونِ : مفاعِلنِ فَعَلاتِنِ مفاعِلنِ فَعَلاتِنِ  
شامل ۱ غزل و ۱ قصیده.  
به هجر و وصل دلم الفت و نزاع ندارد نشاط آمدن و کلفت وداع ندارد (همان: ۱۱۱)

#### ۴ - بحر مضارع

چهارمین بحر پر کاربرد در دیوان نظیری نیشابوری بحر مضارع است که در ۱۱۱ مورد و ۱۴/۵۵ درصد اوزان، ۱۰۰ غزل، ۷ قصیده و ۴ ترکیب بند را شامل می‌شود.  
بحر مضارع از اصل مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن بصورت مزاحف مکفوف مفاعیل فاعلات مفاعیل فاعلات ساخته می‌شود و رکن چهارم به فاعلان تبدیل می‌شود.  
در بحر مضارع رکن فرعی «اخر» نقش اساسی دارد و توجه به آن ضروری است. رکن اخر از رکن اصلی مفاعیلن (U - - -) با حذف هجای کوتاه از آغاز رکن و تبدیل هجای بلند پایانی به هجای کوتاه حاصل می‌شود (U - -). (ماهیار، ۱۳۷۴: ۸۲)

۱-۴ مضارع مَثْمَنِ اِخْرَبِ مَكْفُوفِ مَحْذُوفِ : مَفْعُولُ فاعِلاتِ مَفاعِلُ فاعِلنِ  
شامل ۵۲ غزل و ۱ قصیده و ۲ ترکیب بند .

سر داده‌ای و بد نهانی نهاده‌ای دل برده‌ای و داغ نشانی نهاده‌ای (همان: ۳۲۰)  
هر شب بذیل صحبت جانان تن آورم وز دامتش نثار به دامن در آورم (همان: ۳۹۶)

۲-۴ مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف مقصور : مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلان

شامل ۳۹ غزل ، ۶ قصیده و ۲ ترکیب بند .

این وزن از اوزان جویباری است. دکتر وحیدیان کامیار این وزن را از دسته اوزان نرم و سنگین می‌داند که برای سرودن اشعاری با مضامینی چون مرثیه، درد، حسرت و گله‌مندی مناسب است.

امروز آنچه تاج سر ماست دست ماست      سرمایه‌ی درستی مادرشکست ماست

(همان: ۴۶)

دوش آن زمان که تیر شهاب از کمان فتاد      ما را ستاره ی خلف از آسمان فتاد

(همان: ۵۰۱)

۳-۴ مضارع مثنیٰ اُخرب : مفعولُ فاعلاتُن مفعولُ فاعلاتُن

شامل ۹ غزل .

این بحر از بحور خوش آهنگ، مطبوع، گوش نواز و دل پسند است. بنا به نظر و دسته بندی دکتر شفیعی کدکنی از اوزان خیزابی به حساب می‌آید .

در پرده ره ندادند. وقت سخن صبا را      من نیک می‌شناسم، پیغام‌آشنارا (همان: ۲۴۵)

کی سرّ غنچه او، از هر بیان بیابی      گرمحودوق گردی خودسرآن بیابی (همان: ۳۱۷)

## ۵ - بحر خفیف

«سبک ترین بحر هاست که در طبع می‌آویزد و گوش را می‌نوازد و از حیث روانی و

نرمی شبیه وافر است» (خواجه نصیر، ۱۳۶۹: ۱۳)

بحر خفیف از بحرهای سبک وزن عروض است و بدین سبب آن را خفیف خوانده‌اند.

اصل این بحر فاعلاتُن مُسْفَعَلُن فاعلاتُن است ولی سالم آن چندان متداول نیست و اکثر

مباحف آن معمول است. (شاه حسینی، ۱۳۸۵: ۹۷)

«خفیف را به سبب خَفْت وزن، خفیف نام کرده‌اند» (فشارکی، ۱۳۷۲: ۵۰)

در دیوان نظیری نیشابوری، بحر خفیف در ۲۸ مورد و ۳/۸۰ درصد اوزان، ۲۵ غزل، ۲ قصیده و ۱ ترکیب بند را داراست.

۱-۵ خفیف مسدس مخبون اصلم : فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلن فع لن

شامل ۷ غزل، ۲ قصیده و ۱ ترکیب .

نه عدم بود و نی وجود اینجا صورت وهم می نمود اینجا (همان:۱۴)

۲-۵ خفیف مسدس مخبون محذوف : فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلن فع لن

شامل ۸ غزل .

بانگ نی می برد ز هوش مرا می دهد می ز راه گوش مرا (همان:۱۹)

دل بر این ناخوش آشیانه منه چشم بر شفقت زمانه منه (همان:۲۹۵)

۳-۵ خفیف مسدس مخبون مقصور: فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلن فع لن

شامل ۶ غزل .

چرخ پرویزی ست آتش بیز نه ممری درو نه جای گریز (همان:۱۶۴)

همه جا ناخن تصرف بند هر کجا سینه ای است خسته ای اوست (همان:۷۶)

۴-۵ خفیف مسدس مخبون اصلم مسیغ : فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلن فع لان

شامل ۴ غزل و ۱ قصیده .

بخت ما سست و عشق تو فیروز ما همه خوشه چین، تو خرمن سوز (همان:۱۶۳)

بیر در کوه و شیر در بیشه شاه بر گاه و ماه در خرگاه (همان:۴۲۰)

## ۶- بحر رجز

این بحر را از آن جهت رجز نامیده اند که « در لغت، اضطراب و سرعت است» (مددی، ۱۳۸۵:۱۱۷)، «عرب بیشتر اشعاری که در معرکه ها و جنگ و در مفاخرات از مردانگی خود می خوانند، در این بحر است. و در چنین اوقات آواز مضطرب و حرکات سریع می باشد، پس از این جهت این بحر را رجز نام کرده اند.» (فشارکی، ۱۳۷۲: ۴۲)

این بحر در دیوان نظیری نیشابوری ۱۶ مورد و ۲/۱۰ درصد اوزان، ۱۵ غزل و ۱ قصیده را در بر می‌گیرد.

۶- رجز مثنی سالم : مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

شامل ۱۰ غزل و ۱ قصیده

نی سنبل تنباکویی، نه آتش رخساره‌ای کنی      دل بوی خامی می دهد بی داغ آتش پاره‌ای  
(همان: ۳۲۲)

۶-۲ رجز مثنی مطوی مخبون : مفتعلن مفاعِلن مفعِلن مفاعِلن ( دوری )

شامل ۵ غزل .

طعم هلال می دهد زهر فراق آّب را      تا تلخ کردی عیش من شیرین ندیدم خواب را (همان: ۸)

### ۷- بحر منسرح

«منسرح در لغت به معنی آسان است و این بحر را بدان جهت منسرح خوانده‌اند که ترتیب اوتاد و اسباب در آن به صورتی است که سبب روانی آهنگ می‌شود»، (۱۳۸۵ : ۸۴)  
«بحر منسرح از اصل مُسْتَفْعَلُنْ مفعولاتُ مُسْتَفْعَلُنْ مفعولاتُ به صورت مزاحف مطوی مُفْتَعِلُنْ فاعلاتُ مفتعلن فاعلاتُ ساخته می‌شود و رکن فاعلاتُ به فاعلان یا فاعِلُنْ تبدیل می‌شود» (ماهیار، ۱۳۷۴ : ۱۱۲)

۷-۱ منسرح مثنی مطوی مکشوف : مفتعلن فاعِلن مفعِلن فاعِلن

شامل ۱ غزل و ۵ قصیده با ۰/۷۹ درصد اوزان .

غم به سزا داده بی دل به نوا کرده بی      از تو پذیرفته ام هر چه عطا کرده‌ای (همان: ۲۹۶)



**۸- بحر سریع**

«سریع در لغت به معنی زود است و این بحر را بدان جهت سریع خوانده‌اند که «سببها» در آن بیشتر از «اوتاد» است. اصل این بحر، مستفعلُنْ مستفعلُنْ مفعولاتُ است و سالم آن متداول نیست و مزاحف آن مطبوع تر است» (شاه حسینی، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

این بحر با ۰/۳۹ درصد کل اوزان یکی از کم کاربردترین بحور دیوان نظیری است و فقط شامل ۳ غزل می‌باشد.

**۸-۱- سریع مسدس مطوی موقوف : مفتعلن مفتعلن فاعلان**

در این وزن فقط ۲ غزل سروده شده است.

داشتم از درد جدایی خروش      دل چوتو را یافت زبان شد خموش (همان: ۱۸۶)  
عشق دهد با دل شوریده تاب      پرورشِ ذره کند آفتاب (همان: ۳۸)

**۸-۲- سریع مسدس مطوی مکشوف : مفتعلن مفتعلن فاعلن**

در این وزن فقط ۱ غزل سروده شده است.

عشق توشیرازه ی اجزای من      شوق تو فهرست سراپای من . (همان: ۲۶۴)

**۹- بحر متقارب**

این بحر از تکرار فعولن، پدید می‌آید و چون سببها و وتدها به یکدیگر نزدیک‌اند، آن را متقارب نامیده‌اند.

کم کاربردترین بحر با ۳ مورد و ۰/۳۹ درصد کل اوزان .

**۹-۱- متقارب مثنی سالم : فعولن فعولن فعولن**

در این وزن ۲ غزل و ۱ قطعه (جمعاً ۳ مورد) سروده شده است.

زهی نسخه‌ی آفرینش جمالت نُکّت؟      یاب مجموعه‌ی گُل، خیالت (همان: ۲۴۵)  
ز نیرنگ نطقش به مضمون نیایی      ور آبی ز بس سحر بیرون نیایی (همان: ۳۲۱)  
جهاندار فرمانروا، شاه اکبر که ملک      از پدر تا به آدم گرفته (همان: ۴۶۹)

## اوزان دوری

«اوزان دوری به وزن مصراع‌ی گفته می‌شود که بتوان خود آن مصراع را مرکب از دو نیم مصراع (= پاره) متساوی پنداشت. هر یک از این پاره‌ها، دو رکن مختلف دارد که عیناً در پاره‌ی دوم تکرار می‌شود. در وزن دوری غالباً کلام در پایان پاره (یعنی با رکن دوم) تمام می‌شود به هر حال در وسط مصراع مکث می‌کنیم.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۰)

اوزان دوری به کار گرفته شده در دیوان نظری نیشابوری

۱- هزج مثنی‌اخر: مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ ، مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ

در حلقه نمی‌گنجی، تا پخته نمی‌گردد      شرط است که میخواران، سازند کباب اول (همان: ۲۲۶)  
ایمان زیقین خیزد، از هر چه به شک باشی      در آتش حرمان بین یا بر محک غم زن (همان: ۲۷۲)

۲- رمل مثنی‌مشکول: فَعَلَاتُ فَاعِلَاتُنْ ، فَعَلَاتُ فَاعِلَاتُنْ

تو اگر ز کعبه راندی و گراز بهشت ما را      غم بنده پرور تو، به دری نهشت ما را (همان: ۵)  
ز خراش دم به رقت، ز گداز دل به دردم      دم آتشین بیانان، بفسرد و گفت سردم (همان: ۳۲۸)

۳- مضارع مثنی‌اخر: مَفْعُولَ فَاعِلَاتُنْ ، مَفْعُولَ فَاعِلَاتُنْ

آزرده خاطران را، فکری عنان نگیرد      رغم گران رکابست، دل تیز گام گردان (همان: ۲۷۱)  
عیش دیار غربت، چون برق در گذار است      نتوان به قید کردن، ذوق گریز پا را (همان: ۴)

۴- معجث مثنی‌مخبون: مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ ، مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ

بسوی ملک فنایم، روان ز کشور هستی      به حد سردی و خشکی، مزاج گرم و تر آمد  
(همان: ۳۸۶)

۵- رجز مثنی‌مطوی‌مخبون: مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ ، مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

فایده‌ای نمی‌دهد، داروی تلخ ناصحان      این غم ناگوار را، باده‌ی خوشگوار کو؟  
(همان: ۲۸۰)

۶- منسرح مثنی‌مطوی‌مکشوف: مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ ، مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ

نوبت شادی زدیم، بندگی ازمانرفت      شهره به داغ توایم، گرچه رها کرده‌ای (همان: ۲۹۶)  
 خنده‌ی شیرین دگر، تلخ شود برلبت      گرشنوی نغمه‌ی، مرغ گلستان او (همان: ۴۱۷)

### نتیجه

تأمل در دیوان نظیری نیشابوری و مطالعه‌ی اشعار زیبای او این مطلب را در ذهن ایجاد می‌کند که او شاعری توانمند با قریحه‌ای بالا است. در قالب‌های متفاوت شعری طبع آزمایی کرده و موفق بوده است؛ اما از همه بیشتر در قالب غزل شعر سروده و بعد از آن قصیده‌هایش قابل ملاحظه است. شعر او بیانگر روحیات و همچنین مرارت کشی‌های او در زندگی است. قصاید او را می‌توان حاصل تحولات و دگرگونی‌ها دانست که غالباً از قصاید بلند انوری استقبال کرده است، او در غزلیات پیرو سعدی و حافظ بوده؛ اما از بابا فغانی نیز استقبال کرده است. استفاده از آرایه‌های ادبی گوناگون در شعر به گونه‌ای دلچسب که از روانی و شیوایی کلام نمی‌کاهد و نوآوری‌ها و تصویرهای زنده‌ای که در بیشتر غزل‌هایش به چشم می‌خورد، قابل توجه و تعمق است.

با نگاهی عمیق و کلی به جلوه‌های موسیقی شعر در دیوان نظیری می‌توان گفت: از نظر موسیقی بیرونی بیشتر اوزان مورد استفاده‌اش، اوزان رایج و بحور مطبوع است. بخش اعظم دیوان نظیری نیشابوری را اوزان جویباری تشکیل می‌دهد.

## منابع

- ۱- اوحدی دقاقی بلیانی (۱۳۳۸) **تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین**، مقدمه، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- ۲- خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۹) **معیار الاشعار**، با تصحیح و اهتمام جلیل تجلیل، چاپ اول، ناهید .
- ۳- رازی، امین احمد (۱۳۷۸) **تذکره ی هفت اقلیم**، تصحیح و تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری، تهران: سروش.
- ۴- شاه حسینی، ناصرالدین (۱۳۸۰) **شناخت شعر**، تهران: آگاه .
- ۵- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۰) **موسیقی شعر**، تهران: آگاه .
- ۶- شمس قیس رازی، محمد بن قیس (۱۳۷۳) **المعجم فی معایر اشعار العجم**، به کوشش سیروس شمیسا، چاپ اول، فردوس .
- ۷- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) **آشنایی با عروض و قافیه**، تهران: فردوس .
- ۸- صبور، داریوش (۱۳۸۴) **آفاق غزل فارسی**، تهران: زوار .
- ۹- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱) **تاریخ ادبیات در ایران**، جلد ۵/۱، تهران: فردوسی.
- ۱۰- فخرالزمانی قزوینی، عبدالعلی (۱۳۶۷) **تذکره میخانه**، به اهتمام احمد گلچین معانی، چاپ پنجم، تهران: اقبال.
- ۱۱- ماهیار، عباس (۱۳۷۴) **عروض فارسی**، تهران: قطره .
- ۱۲- مددی، حسن (۱۳۸۵) **عروض و قافیه** (نگاهی تازه به اوزان و ضرب آهنگ شعر فارسی)، تهران: تیرگان.
- ۱۳- مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴) **ریحانه الادب**، تهران: خیام.
- ۱۴- مشحون، حسن (۱۳۷۳) **تاریخ موسیقی ایران**، چاپ اول، تهران: نشر سیمرغ با همکاری نشر فاخته.

- ۱۵- ملاح، حسینعلی (۱۳۶۷) **پیوند موسیقی و شعر**، تهران: فضا .
- ۱۶- نظیری نیشابوری، محمد حسین (۱۳۷۹) **دیوان اشعار**، با تصحیح محمد رضا طاهری، تهران: موسسه انتشارات نگاه .
- ۱۷- واله داغستانی، علیقلی (۱۳۸۴) **تذکره‌ی ریاض الشعرا**، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- ۱۸- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۰) **بررسی منشأ شعر فارسی**، مشهد: آستان قدس.
- ۱۹- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۶) **وزن و قافیه‌ی شعر فارسی**، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۰- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۵) **تذکره‌ی ریاض العارفین**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات ابوالقاسم رادفر، گیتاشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

## پیوست‌ها

الف: جدول بحرهای به کاررفته در دیوان نظری نیشابوری (با زحافات)

ردیف	بحر	وزن	بخش	تصویه	قطعه	تبدیل	ترتیب بند در بیت	رباعی
۱	هزج مثنی سالم	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۵۲					
۲	هزج مثنی اعراب	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	۲					
۳	هزج مثنی اعراب مکشوف مقصور	مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل مفاعیل	۱۵			۱		
۴	هزج مسدس محذوف	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	۱۶					
۵	هزج مسدس مقصور	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل	۲					
۶	هزج مثنی اعراب مکشوف محذوف	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	۳۰	۳	۱			
۷	هزج مسدس اعراب مقبوض محذوف	مفعول مفاعیلن فعولن	۱۱			۱		
۸	هزج مثنی اعراب مقبوض ابتر	مفعول مفاعیل مفاعیلن فع					۱۴۱	
۹	رمل مثنی مقصور	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	۳۱	۳		۲		
۱۰	رمل مثنی محذوف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۵۸	۲				
۱۱	رمل مثنی اصلم	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن	۲					
۱۲	رمل مسدس مقصور	فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	۱۱					
۱۳	رمل مثنی مخبون اصلم مسیح	فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فع لان	۱۰					
۱۴	رمل مسدس محذوف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۴					
۱۵	رمل مثنی مخبون اصلم	فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فع لن	۱۴	۲		۱		
۱۶	رمل مثنی مخبون مقصور	فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فعلان	۱۲	۱				
۱۷	رمل مثنی مخبون محذوف	فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فعلن	۲۴					
۱۸	رمل مسدس مخبون اصلم مسیح	فاعلاتن فاعلاتن فع لان	۱					

			۱	۷	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	رمل مثنى مشکول	۱۹
			۳	۲۸	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلا	مجتث مثنى مخبون مقصور	۲۰
			۱	۲۵	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلهن	مجتث مثنى مخبون محذوف	۲۱
		۱	۸	۳۱	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فع لن	مجتث مثنى مخبون اصلم	۲۲
			۵	۳۰	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فع لان	مجتث مثنى مخبون اصلم مسبح	۲۳
			۱	۱	مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلاتن	مجتث مثنى مخبون	۲۴
	۲		۶	۳۹	مفعول فاعلات مفاعيل فاعلان	مضارع مثنى اخرج مكشوف مقصور	۲۵
	۲		۱	۵۲	مفعول فاعلات مفاعيل فاعلهن	مضارع مثنى اخرج مكشوف محذوف	۲۶
				۹	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	مضارع مثنى اخرج	۲۷
				۶	فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلهن فعلا	خفيف سدس مخبون مقصور	۲۸
			۱	۴	فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلهن فع لان	خفيف سدس مخبون اصلم مسبح	۲۹
				۸	فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلهن فعلهن	خفيف سدس مخبون محذوف	۳۰
	۱		۲	۷	فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلهن فع لن	خفيف سدس مخبون اصلم	۳۱
			۱	۱۰	مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مثنى سالم	۳۱
				۵	مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن	رجز مثنى مطوى مخبون	۳۳
			۵	۱	مفتعلن فاعلهن مفتعلن فاعلهن	منسرح مثنى مطوى مكشوف	۳۴
				۲	مفتعلن مفتعلن فاعلان	سريع سدس مطوى موقوف	۳۵
				۱	مفتعلن مفتعلن فاعلهن	سريع سدس مطوى مكشوف	۳۶
		۱		۲	فعلون فعلون فعلون	متقارب مثنى سالم	۳۷

ب: جدول بحرهای به کار رفته در دیوان نظیری نیشابوری (بدون زحافات)

ردیف	نام بحر	غزل	قصیده	رباعی	قطعه	بند ترکیب بند تربیع	شعر	درصد
۱	بحر هزج	۱۲۸	۳	۱۴۱	۱	۲	۲۷۵	۳۶.۰۴
۲	بحر رمل	۱۷۴	۹			۳	۱۸۶	۲۴.۳۸
۳	بحر مبحث	۱۱۵	۱۸		۱		۱۳۴	۱۷.۵۶
۴	بحر مضارع	۱۰۰	۷			۴	۱۱۱	۱۴.۵۵
۵	بحر خفیف	۲۵	۳			۱	۲۹	۳.۸۰
۶	بحر رجز	۱۵	۱				۱۶	۲.۱۰
۷	بحر منسرح	۱	۵				۶	۰.۷۹
۸	بحر سریع	۳					۳	۰.۳۹
۹	بحر مقارب	۲			۱		۳	۰.۳۹
	جمع بحور						۷۶۳	



